



A critical review of reuven firestone's view on the example of "sacrifice" (zhabih) in the qur'an

Ahad Davari Chalqaei ¹
Hamid Jalilian ²

Abstract

The specialized view of the Orientalists on the teachings of the Holy Quran shows the necessity of a methodical and critical look at their studies. Especially, some of them have adopted a particular method in determining the examples of some verses. Reuven Firestone is one of the authors of the encyclopedia of the Holy Quran, who has written some of its entries. In these entries, he has commented on the "Zhabih" (sacrificed child) of the Prophet Ibrahim (AS) and, contrary to the opinion of most Islamic scholars, he believes that Ibrahim (AS) wanted to sacrifice "Ishāq" (Isaac) - his second son. According to him, most of the previous commentators of the Qur'an share the same tendency and belief in this regard. The present study challenges Reuven Firestone's opinion by examining, analyzing and criticizing the content of the entry "Ishāq" from the Quran encyclopedia and examines the methodology of the mentioned entry and why Firestone insists on Isaac to be the sacrificed child. The findings of the research show that in addition to the contradiction between the Torah and the Gospel of Barnabas in determining the example of sacrifice, the context of the verses of the Qur'an fits with the sacrifice of Ismail. Besides, the hadiths related to the sacrifice of Ismail, came with valid chain of documents and reliable sources, unlike the narrations related to the sacrifice of Isaac, which, in addition to the interruption of the chain of transmission, are faced with the weakness of the narrators. Also, contrary to Firestone's opinion, in addition to the argumentative emphasis of contemporary commentators, a large number of commentaries before the 10th century have also introduced Ismail as the intended sacrifice in the Qur'an.

Keywords: Ishāq (Isaac), Zabih (Sacrifice), Reuven Firestone, Qur'an, Torah, Encyclopedia of the Holy Quran.

¹ Ph.D. in comparative interpretation, University of Quranic Sciences and Education; | davari@quran.ac.ir.

² Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Bonab, Iran; | jalilian1358@yahoo.com.



بررسی انتقادی دیدگاه ریون فایرستون درباره مصداق «ذبیح» در قرآن

احمد داوری چلقانی^۱

حمید جلیلیان^۲

چکیده

نگاه تخصصی مستشرقان به معارف قرآن کریم، ضرورت نگاه روشی و انتقادی به مطالعات آنها را نمایان می‌کند؛ به‌ویژه که تعدادی از آنها در تعیین مصداق برخی آیات، شیوه خاصی را در پیش گرفته‌اند. ریون فایرستون از نویسندگان دایره‌المعارف قرآن کریم است که برخی مدخل‌های آن را نوشته است. وی در این مدخل‌ها درباره فرزند «ذبیح» حضرت ابراهیم (ع) برخلاف اندیشه بیشتر محققان اسلامی نظر داده است و معتقد است که ابراهیم (ع) می‌خواست اسحاق - فرزند دوم خود - را قربانی کند. به باور وی، بیشتر مفسران پیشین قرآن، هم به همین نظر تمایل و اعتقاد داشتند. پژوهش حاضر با بررسی، تحلیل و نقد محتوایی مدخل «اسحاق» از دایره‌المعارف قرآن، دیدگاه ریون فایرستون را به چالش کشیده و به بررسی روش‌شناسی مدخل مزبور و چرایی اصرار فایرستون بر ذبیح اسحاق می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر تناقض تورات و انجیل برنابا در تعیین مصداق ذبیح، سیاق آیات قرآن با ذبیح حضرت اسماعیل تناسب دارد؛ علاوه بر این که روایات مربوط به ذبیح اسماعیل با سند صحیح و در منابع معتبر آمده است، برخلاف روایات مربوط به ذبیح اسحاق که علاوه بر انقطاع سند، با ضعف روایان مواجه است. همچنین برخلاف نظر فایرستون، علاوه بر تأکید استدلالی مفسران معاصر، تعداد کثیری از تفاسیر پیش از قرن دهم نیز حضرت اسماعیل را به عنوان قربانی مورد نظر قرآن معرفی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اسحاق، ذبیح، ریون فایرستون، قرآن، تورات، دایره‌المعارف قرآن.

^۱ دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مراغه؛ ایران (نویسنده مسئول) | davari@quran.ac.ir

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی؛ بناب؛ ایران | jalilian1358@yahoo.com

۱. مقدمه

دایرةالمعارف قرآن کریم در شش جلد توسط مؤسسه فرهنگی بریل در شهر لیدن هلند به سر ویراستاری خانم «مک اولیف» (Jane Dammen McAuliffe) استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا (Georgetown University, Washington DC) منتشر شده است. پنج جلد اول این دایرةالمعارف به بررسی حدود دو هزار مدخل قرآنی پرداخته است. در جلد ششم پس از مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای، فهرست‌های متنوعی از جمله اسامی مؤلفان، مقالات، فهرست اسامی، فهرست اصطلاحات عربی و فهرست آیات، جهت راهنمایی موضوعی قرار داده شده است. رویکرد کلی دایرةالمعارف قرآن لیدن باعث شده است تا از سوی محققان با انتقاداتی همراه باشد (زمانی، ۱۳۸۲ش: ۷۵-۱۰۴؛ مؤدب و موسوی مقدم، ۱۳۸۷ش: ۱۰۵-۱۴۴).

یکی از افرادی که در تدوین مقالات این کتاب نقش ایفا کرده، ریون فایرستون (Reuven Firestone) است. وی متولد ۱۹۵۲ میلادی و استاد دانشگاه لس آنجلس واحد عبری (Hebrew) است (Firestone, 2001, V6: 13) که مدخل‌های پانزده گانه Abraham, Abyssinia, Āzar, Enemies, Ethiopia, Fighting, Isaac, Tubba را در دایرةالمعارف قرآن کریم به رشته تحریر درآورده است. علاوه بر آنها کتاب دیگری به نام «مسافرت در سرزمین‌های مقدس: سیر تکاملی ابراهیم و اسماعیل» (Journeys in holy lands: the evolution of the Abraham-Ishmael legends in Islamic exegesis) را نیز نگاشته که در ۲۶۵ صفحه در آلبانی منتشر شده است.

فایرستون در دایرةالمعارف قرآن، اسحاق را بر مبنای تلفظ عربی آوانگاری نکرده است بلکه از واژه‌ها و معادل‌های لاتین متداول در متون مذهبی و ادبی غربی بهره گرفته است؛ لذا عبارت «Isaac» را برگزیده است؛ درحالی که اگر از معادل‌های اسلامی و قرآنی بهره می‌گرفت بهتر بود عبارت «Isshaq» یا «Ishaq» را انتخاب کند.

ریون فایرستون در مدخل اسحاق پس از معرفی اسحاق، بحث قربانی را در ماجرای حضرت ابراهیم (ع) حائز اهمیت دانسته و به معرفی قربانی با توجه به نظر مفسران می‌پردازد، وی در این مدخل چنین آورده است: «اسحاق یکی از فرزندان ابراهیم (ع) است که در قرآن به طور صریح پیامبر نامیده شده است (مریم / ۴۹؛ صافات / ۱۱۲). نام وی هفده مرتبه، در

شانزده آیه قرآن آمده است. در نیمی از این موارد، او در ضمن اسامی پیامبران قبلی یاد شده است. این نوع یادآوری، یک الگوی رایج قرآنی است که در آن نبوت و پیام محمد (ص) در کنار پیامبران قدیمی و آشنا و نیز پیام‌های الهی قرار می‌گیرد که معمولاً - اما نه همیشه - با روش کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان مشابهت دارد. متداول‌ترین شکلی که اسحاق در این سلسله انبیا دیده می‌شود «ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط» است که اغلب پیامبران و شخصیت‌های معرفی شده دیگر از کتاب مقدس به دنبال آنها آمده‌اند (بقره/ ۱۳۶ و ۱۴۰؛ آل عمران/ ۸۴؛ نساء/ ۱۶۳). ترتیب اسامی در اشاره‌های دیگر به قوم حضرت ابراهیم (ع)، «ابراهیم، اسحاق و یعقوب» است. در این اشارات، اسماعیل یا چند آیه بعد در ارتباط با دیگر شخصیت‌های نبوی آشنا که با ابراهیم نسبتی ندارند ذکر شده است (انعام/ ۸۴-۸۶؛ ص/ ۴۵ - ۴۸) یا به طور کامل حذف شده است (یوسف/ ۶؛ مریم/ ۴۹؛ عنکبوت/ ۲۷).

در این فهرست‌های فرمولی، اسحاق، مانند دیگر شخصیت‌های باستانی ذکر شده، پیامبری راستین است که ابلاغ خدا را دریافت کرده است (تعبیر «ما انزل» در آیه ۱۳۶ سوره بقره و ۸۴ سوره آل عمران؛ تعبیر «وحی و الهام» در آیه ۱۶۳ سوره نساء و تعبیر «هدی و هدایت» در آیه ۸۴ سوره انعام). پیامبران آل ابراهیم اشخاص منحصر به فردی هستند، مؤمنان واقعی که نه یهودی هستند و نه مسیحی (بقره/ ۱۴۰)؛ بلکه ترجیحاً مسلمانان قدیمی و پیش از اسلام یا «کسانی هستند که کاملاً تسلیم اراده الهی هستند» (بقره/ ۱۳۳). در واقع، برهان جدلی در آیات ۱۳۰-۱۴۱ سوره بقره به‌ویژه آیات ۱۳۴ و ۱۴۱ حاکی از آن است که فرزندان این پیامبران ابراهیمی از دنیا رفته‌اند؛ اما شبیه آنها - به دنبال ابلاغ پیام الهی از طریق آخرین پیامبر بزرگ حضرت محمد (ص) - ممکن است همچنان مورد تقلید کسانی باشد که ایمان آورده و تسلیم اراده خداوند هستند. اسحاق بابرکت خداوند (صافات/ ۱۱۳)، نتیجه وعده الهی به ابراهیم و همسر بی‌نامش است که با مژده تولد قریب‌الوقوع او خندید (هود/ ۷۱؛ حجر/ ۵۳؛ ذاریات/ ۲۸). هنگامی که ابراهیم تعدادی از سلاله خود را در وادی بایر نزدیک خانه مقدس خدا - احتمالاً در مکه - مستقر کرد، دعا کرد که آنها نماز را به‌جای آورده و آن را رونق دهند و او خدا را شکر می‌کند که اسماعیل و اسحاق را در دوران پیری به وی عطا کرده است (ابراهیم/ ۳۷-۳۹). اسحاق، همراه با دیگر فرزندان ابراهیم، به خاطر تقوا و اطاعت پایدار

در یکتاپرستی به ابراهیم داده شده است (انعام/ ۸۴؛ مریم/ ۴۹؛ انبیاء/ ۷۲؛ عنکبوت/ ۲۷؛ صافات/ ۱۱۲).

شخصیت اسحاق در قرآن به طور گسترده نیامده است. او به‌طور کلی یک شخصیت فرعی باقی مانده و تقریباً به طور کامل در فهرست‌های فرمولی یا عبارت‌های اصطلاحی در رابطه با پدرش ذکر شده است. این امر استثنایی نیست؛ زیرا بیشتر پیامبران پیشین در قرآن به گونه‌ای معرفی شده‌اند که گویی مخاطب از قبل با آنها و داستان‌هایشان آشنا بوده است. بسط اندک حکایت در مورد اسحاق نیز صادق است.

بحث‌برانگیزترین اشاره، مربوط به اسحاق در ارتباط با داستان «قربانی موردنظر» ابراهیم (الذبیح) در آیات ۹۹-۱۱۳ سوره صافات است که در آن به صورت ویژه از اسحاق یاد شده است؛ اما نامش به طور صریح در متن آیات نیامده است. نتیجه این که مفسران قرآن در تطبیق مصداق قربانی موردنظر بر اسحاق یا اسماعیل، مناقشه کرده‌اند. اهمیت این مناقشه در این است که شایستگی و لیاقت به فرزندان کسی تعلق می‌گیرد که مایل بود آگاهانه در برابر اراده خدا کاملاً تسلیم و قربانی شود. چنین عملی مظهر تسلیم تلقی می‌شد (صافات/ ۱۰۳)؛ بنابراین ارتباط تبار یهودیان و معاشرت معنوی مسیحیان با اسحاق، با ارتباط مشترک مسلمانان عرب با اسماعیل، در تضاد و تقابل بود. اکثر مفسران قدیم مسلمان بر این باور بودند که اسحاق پسری است که متن قرآن به او اشاره می‌کند. با این حال، پس از اوایل قرن دهم، بیشتر مسلمانان تصور می‌کردند که اسماعیل قربانی موردنظر ابراهیم بوده است» (Firestone, 2001, V2: 561&562).

پژوهش حاضر با تحلیل محتوای مدخل با رویکرد انتقادی، به نقد نظر ریون فایرستون در تعیین مصداق ذبیح، با توجه به آیات قرآن کریم و سیاق آنها، توجه به نگرش تورات و انجیل به ذبیح، بررسی سندی روایات بیانگر ذبح اسحاق و نظر مفسران پیش از قرن دهم هجری می‌پردازد.

۲. نگاهی تطبیقی به تورات، انجیل و قرآن

نام اسحاق ۱۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است (در ۵ آیه مدنی و ۱۲ آیه مکی) که آیات مدنی در قالب «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق...» بدان اشاره نموده است. برخی از مفسران قدیم اسماعیل بر اسحاق را در این آیات، به دلیل بزرگی سن اسماعیل می‌دانند

(جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۶: ۴۰۲). بزرگ بودن اسماعیل مورد اتفاق همه علمای اهل کتاب و مسلمان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۲۳۴؛ مراغی، بی تا، ج ۲۳: ۷۲)؛ همچنین کلیات روایات اسلامی و آیات قرآن در موارد متعددی با عهد عتیق درباره اسحاق همسو و هماهنگ است، از جمله هر دو کتاب آسمانی به تولد وی در دوران پیری ابراهیم و ساره اشاره می کنند و نیز از زمان تولد تا کودکی اسحاق، خبری از وی یافت نمی شود تا اینکه ابراهیم (ع) مأمور ذبح فرزند می شود. همان گونه که در مدخل دایرةالمعارف نیز آمده است، قرآن به صراحت نامی از ذبیح نبرده است که مصداق آن باید با توجه به سیاق و سایر ادله روشن شود؛ ولی تورات ذبیح را «اسحاق» معرفی می کند. در سفر پیدایش تورات اصحاب ۲۲ آمده است: «و واقع شد بعد از این وقایع که خداوند ابراهیم را امتحان کرده بدو گفت: ای ابراهیم! عرض کرد: لبیک. گفت: اکنون پسر خود را که یگانه دوست و او را دوست می داری یعنی اسحاق را بردار و به سرزمین موریا برو، و او را در آنجا بر یکی از کوههایی که به تو نشان می دهم برای قربانی سوختنی بگذران» (کتاب مقدس، سفر پیدایش: ۲۲).

از طرف دیگر در انجیل برنابا فصل ۴۴ برخلاف نقل تورات، سخن از اسماعیل به عنوان قربانی آمده است: «خداوند با ابراهیم سخن گفته فرمود: اولین فرزندت، اسماعیل را بگیر و از این کوه بالا برو و او را به عنوان قربانی و پیشکش ذبح کن.» (انجیل برنابا: ۱۳۵ - ۱۳۶). همان طور که در متن مدخل دایرةالمعارف آمده است مسیحیان با اسحاق اتحاد معنوی دارند؛ ولی در انجیل برنابا خلاف آن مشاهده می گردد؛ البته دقت در تعابیر تورات و تناقض آنها بیانگر آن است که اسحاق نمی تواند قربانی عظیمی باشد که در جهت اطاعت پروردگار جان برکف بود؛ به دلیل اینکه تعبیر «تنها فرزندت» که خود دلیلی بر پاک بازی ابراهیم در مقام امتثال فرمان پروردگار است با قربانی شدن اسحاق سازگار نیست؛ زیرا از برادرش اسماعیل کوچک تر بود، بنابراین تنها فرزند ابراهیم که به قربانگاه رفت اسماعیل بود (زمانی، ۱۳۸۵ش: ۲۴۲-۲۴۰؛ معرفت، ۱۳۸۸ش: ۷۸).

البته تورات توصیف های متناقضی از اسماعیل ارائه کرده است؛ گاهی درباره آن حضرت مطالبی می گوید که حتی نسبت به مردم عادی تحقیر و توهین تلقی می شود، مثلاً او را مردی وحشی و ناسازگار با مردم و مطرود از پدر معرفی می کند که از کمالات انسانی

چیزی جز مهارت در تیراندازی چیزی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۲۲۵) و گاه درباره او می‌گوید: خدا با اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۲۳۴).

۳. تعیین مصداق «ذبیح»

فایرستون در مدخل مزبور ادعا کرده است که آیات قرآن بدون در نظر گرفتن روایات بیانگر آن هستند که اسحاق مصداق «ذبیح» است. وی برای اثبات مدعای خود، فقط به برخی تفاسیر مراجعه کرده و به تفاسیر شیعه مراجعه نکرده است، یا از دلایل و مستندات آنان بی‌اطلاع است یا از آنها مطلبی نقل نکرده است؛ همچنین به تناقض ذکر شده در تورات و تصریح انجیل برنابا درباره ذبیح بودن اسماعیل نیز توجهی نکرده است. علاوه بر تناقض‌های فوق، دلایل قرآنی، تاریخی، عقلی و روایی بیانگر آن است که اسماعیل تنها فرزند ابراهیم بود که به قربانگاه رفت.

۱-۳. دلایل قرآنی

بحث اصلی ذبیح و قربانی حضرت ابراهیم علیه‌السلام در سوره صافات آمده است: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَمِعِدِينَ * رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ * فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَشَاءْنَا وَتَلَّهَ لِلْبَجِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ * وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ * وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ» (صافات / ۹۹-۱۱۳)

و [ابراهیم] گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم زودا که مرا راه نماید. ای پروردگار من مرا [فرزندی] از شایستگان بخش! پس او را به پسری بردبار مژده دادیم و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت: ای پسرک من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس بین چه به نظرت می‌آید؟ گفت: ای پدر من! آنچه را ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت. پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرود گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند. او را ندا دادیم که ای ابراهیم! رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم، راستی که این همان آزمایش آشکار بود و او را در ازای

قربانی بزرگی باز رهنیدیم و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. درود بر ابراهیم! نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم، در حقیقت او از بندگان با ایمان ما بود و او را به اسحاق که پیامبری از [جمله] شایستگان است مژده دادیم و به او و به اسحاق برکت دادیم و از نسل آن دو برخی نیکوکار و [برخی] آشکارا به خود ستمکار بودند.

بررسی آیات فوق از جهات زیر با ذبیح اسماعیل سازگار است:

۱. سیاق در این آیات و توالی ذکر داستان ذبیح، بیانگر آن است که ابراهیم (ع) مأمور به ذبیح اولین فرزندی شده است که به وی بشارت داده شده است (مراغی، بی تا، ج ۲۳: ۷۲)؛ به دیگر سخن، این آیات پس از نقل ذبیح فرزند توسط ابراهیم (ع) مجدداً بشارت به ولادت اسحاق (ع) را ذکر می‌کند و از آنجایی که علمای تاریخ و حدیث اتفاق نظر دارند بر اینکه اسماعیل (ع) قبل از اسحاق (ع) به دنیا آمده است، ناگزیر باید گفت آن بشارتی که قبل از بشارت ولادت اسحاق و قبل از مسئله ذبیح ذکر شده است بشارت به تولد اسماعیل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۲۳۴). برخی در توضیح بیشتر آورده‌اند که مبشر (به فتح) و ساعی و ذبیح هر سه صفاتی هستند برای موصوف واحدی که اولین پسر ابراهیم است (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۶: ۳۵۱). در روایتی از امام صادق (ع) نیز به این مسئله اشاره شده است: «و سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الذَّبِيحِ مَنْ كَانَ فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَ قِصَّتَهُ فِي كِتَابِهِ ثُمَّ قَالَ وَبَشَّرَنَا بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۳۰). از امام صادق (ع) درباره «ذبیح» پرسیدند. حضرت فرمود: ذبیح اسماعیل بود؛ زیرا خداوند عزوجل ماجرای او را در کتابش قرآن ذکر کرده، سپس گفته است که به ابراهیم، اسحاق را - که پیامبری از جمله شایستگان است - مژده دادیم.

۲. در آیات سخن از نبوت اسحاق آمده است: «وَبَشَّرْنَا بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/) هنگامی که خداوند نبوت کسی را بشارت می‌دهد مفهومی این است که زنده می‌ماند و این با مسئله ذبیح در کودکی سازگار نیست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹: ۱۱۸).

۳. در آیات فوق خداوند از قول ابراهیم حکایت می‌کند که «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَاهِبٌ» (صافات/ ۹۹) سپس ابراهیم از خداوند فرزندی را طلب می‌کند تا در غربت با او مأنوس شود:

«رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات / ۱۰۰). این سؤال زمانی معقول به نظر می‌رسد که فرزندی نداشته باشد؛ زیرا اگر قبلاً فرزندی داشت، تحصیل حاصل بوده، محال است. از طرفی کلمه «من» برای تبعیض است و کمترین تعداد بعض «واحد» است. پس ابراهیم (ع) در این آیات فقط درخواست یک فرزند می‌کند و اجماع بر آن است که فرزند بزرگ ابراهیم (ع) اسماعیل است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲: ۱۳۳).

۴. در آیات فوق هنگامی که ابراهیم از خداوند درخواست فرزندی صالح می‌کند، خداوند بشارت پسری حلیم به او می‌دهد: «فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ» (صافات / ۱۰۱). طبق نظر علمای لغت حلیم، به معنای بردباری در هنگام هیجان غضب است که از عقل و خرد ناشی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۵۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶: ۴۹۶). در آیات بعد خداوند بردباری ذبیح را به تصویر می‌کشد که «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات / ۱۰۲). با بررسی سایر آیات به دست می‌آید که خداوند با صراحت اسماعیل (ع) را در زمره صابران ذکر کرده: «وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ» (انبیاء / ۸۵) که بر مسئله ذبح صبر کرده است؛ درحالی که درباره اسحاق چنین توصیفی در قرآن نیامده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲: ۱۳۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۲: ۱۸۵ - ۱۸۶).

قابل توجه اینکه واژه حلیم پانزده مرتبه در قرآن تکرار شده و در بیشتر موارد، وصفی برای پروردگار است و در چهار آیه نیز در توصیف برخی پیامبران به کار رفته است، یک مورد در توصیف فرزند ذبیح (صافات / ۱۰۱)؛ دو مورد درباره حضرت ابراهیم (ع) (توبه / ۱۱۴؛ هود / ۷۵) و یک مورد درباره حضرت شعیب (ع) در آیه ۸۷ سوره هود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹: ۱۱۰).

۵. در آیه ۷۱ سوره هود آمده است: «فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»؛ پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم. این آیه نشان می‌دهد که ابراهیم مطمئن بود اسحاق می‌ماند و فرزندی مانند یعقوب از او به دنیا می‌آید بنابراین نوبتی برای ذبح باقی نمی‌ماند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹: ۱۱۸ و ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲: ۱۳۲).

۳-۲. دلایل روایی

روایات در تعیین ذبیح اختلاف دارند. برخی ذبیح را اسحاق (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵: ۲۸۲-۲۸۰) و عده‌ای دیگر آن را اسماعیل می‌دانند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۴۲۱-۴۲۵). صحابه نیز نظر مختلفی در این زمینه دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶: ۳۴۶ و ۳۴۷)، در بخشی از زیارت‌نامه‌های ائمه (ع) عبارت «یا وارث اسماعیل ذبیح الله» آمده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۶۰۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ق: ۱۶۲) که بر ذبیح اسماعیل دلالت دارد.

بررسی سندی روایات نشان می‌دهد که احادیث بیانگر ذبیح اسماعیل از اتقان سندی برخوردارند، چنان‌که نعمت‌الله جزایری به صحت آنها تصریح می‌کند (جزایری، ۱۴۰۴ ق: ۱۳۱)؛ در حالی که روایات بیانگر ذبیح اسحاق، - چنان‌که به تفصیل خواهد آمد- از چنین اتقانی برخوردار نیستند؛ برای نمونه روایت زیر با سند صحیح به ذبیح اسماعیل اشاره می‌کند:

در کتاب کافی در باب «فَضَّلَ لَحْمَ الضَّأْنِ عَلَى الْمُعْزِ» روایتی از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که آن حضرت یکی از دلایل برتری گوشت گوسفند بر گوشت بز را فدیة شدن گوسفند به جای اسماعیل در ماجرای ذبیح می‌دانند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي لَا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الضَّأْنِ. قَالَ: فَقَالَ: «وَلِمَ؟» قَالَ: قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ يَمِجُّ بِهِمُ الْمِرَّةَ السُّودَاءَ وَ الضُّدَاعَ وَ الْأَوْجَاعَ. فَقَالَ لِي: «يَا سَعْدُ» فَقُلْتُ: لَبَّيْكَ، قَالَ: «لَوْ عَلِمَ اللَّهُ- عَزَّ وَ جَلَّ- شَيْئاً أَكْرَمَ مِنَ الضَّأْنِ، لَفَدَى بِهِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۲: ۴۲۱-۴۲۲).

این روایت مسند و متصل که در کتاب محاسن برقی نیز آمده است (برقی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲: ۴۶۷-۴۶۸). به تصریح علامه مجلسی در «تحف العقول» جزء روایات صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲: ۱۳۰) راویان روایت نیز از اشخاصی هستند که ثقة و امامی بودن آنها در کتب رجالی ذکر شده است:

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى (محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی)؛ از بزرگان امامیه، ثقة، عین و کثیر الحدیث است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۳۵۳؛ طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۴۳۹؛ خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۸: ۳۰) ابن داود وی را از ممدوحینی آورده است که کسی تضعیفش نکرده (ابن داود حلی، ۱۳۴۲: ۳۴۰) علامه حلی هم او را ثقة دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵۷).

- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (احمد بن محمد بن عیسی الاشعری)؛ امامی ثقه (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷۱؛ خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۹۶) و از اصحاب امام رضا (ع) (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۷۳؛ برقی، ۱۳۴۲: ۵۹) است، از دیگر توثیقات وی در کتب رجالی وجه و فقیه است (ابن داود حلی، ۱۳۴۲: ۴۳).

- مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ (محمد بن خالد البرقی)؛ امامی و ثقه است (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۶۳؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش: ۳۰۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ ق: ص ۱۳۹)؛ هر چند نجاشی وی را تضعیف کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۵)؛ ولی با توجه به تأیید بقیه علمای رجال، به ویژه تصریح شیخ طوسی به عدالت وی و قرار گرفتن در سلسله اسناد کامل الزیارات ابن قولویه، می‌توان به عدالت وی نظر داشت (خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۶: ۶۷).

- سَعْدُ بْنُ سَعْدٍ (سعد بن سعد الاشعری قمی)؛ ثقه بوده (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۷۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ ق: ۷۸؛ خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸: ۵۹) و از ممدوحانی است که کسی آنها را تضعیف نکرده است (ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش: ۱۶۷) و مورد تأیید و دعای امام معصوم نیز قرار گرفته است (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۵۰۳).

در مقابل این روایت صحیح و روایات صحیح دیگر، روایات پراکنده‌ای در ذیل آیات سوره صافات وجود دارد که در تعیین ذبیح اختلاف دارند، حتی گاهی از یک نفر، دو روایت متناقض دیده می‌شود، به عنوان نمونه ابن عباس ذبیح را در روایتی اسحاق و در روایتی دیگر اسماعیل معرفی کرده است و در یک کتاب همچون تفسیر طبری هر دو نقل آمده است:

الف: روایات بیانگر ذبیح اسحاق از نظر ابن عباس در تفسیر طبری

حدثني الحسين بن يزيد بن إسحاق، قال: ثنا ابن إدريس، عن داود بن أبي هند، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال: الذي أمر بذبحه إبراهيم هو إسحاق.

حدثنا ابن المنثي، قال: ثنا ابن أبي عدى، عن داود، عن عكرمة، عن ابن عباس وَ قَدِينَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ قال: هو إسحاق.

حدثني يعقوب، قال: ثنا ابن عليّة، عن داود، عن عكرمة، قال: قال ابن عباس: الذبيح إسحاق (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۱).

ب: روایات بیانگر ذبح اسماعیل از نظر ابن عباس در تفسیر طبری:

حدثنا ابن بشار، قال: ثنا سفیان، قال: ثنا بيان، عن الشعبي، عن ابن عباس وَ قَدِينَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ
قال: إسماعيل.

حدثنا ابن حميد، قال: ثنا يحيى بن واضح، قال: ثنا أبو حمزة، عن محمد بن ميمون السكري، عن
عطاء بن السائب، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: إن الذي أمر بذبحه إبراهيم إسماعيل.
حدثني يعقوب، قال: ثنا هشيم، عن علي بن زيد، عن عمار، مولى بني هاشم، أو عن يوسف بن
مهران، عن ابن عباس، قال: هو إسماعيل، يعنى وَ قَدِينَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ
حدثني يعقوب، قال: ثنا ابن عليه، قال: ثنا داود، عن الشعبي، قال: قال ابن عباس: هو
إسماعيل.

و حدثني به يعقوب مرة أخرى، قال: ثنا ابن عليه، قال: سئل داود بن أبي هند: أى ابني إبراهيم
الذي أمر بذبحه؟ فزعم أن الشعبي قال: قال ابن عباس: هو إسماعيل.

حدثنا ابن المثنى، قال: ثنا محمد بن جعفر، قال: ثنا شعبة، عن بيان، عن الشعبي، عن ابن عباس
أنه قال فى الذى فداه الله بذبح عظيم قال: هو إسماعيل.

حدثنا يعقوب، قال: ثنا ابن عليه، قال: ثنا ليث، عن مجاهد، عن ابن عباس، قوله: وَ قَدِينَاهُ بِذَبْحِ
عَظِيمٍ قال: هو إسماعيل.

حدثني يونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: أخبرني عمر بن قيس، عن عطاء بن أبي رباح، عن
عبد الله بن عباس أنه قال: المقدى إسماعيل، و زعمت اليهود أنه إسحاق و كذبت اليهود.

حدثنا محمد بن سنان القزاز، قال: ثنا أبو عاصم، عن مبارك، عن علي بن زيد، عن يوسف بن
مهران، عن ابن عباس: الذى فداه الله هو إسماعيل.

حدثنا ابن سنان القزاز، قال: ثنا حجاج بن حماد، عن أبي عاصم الغنوي، عن أبي الطفيل، عن ابن
عباس، مثله (طبرى، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۳).

برای حل مشکل تناقض در این موارد، به ناچار باید به بررسی سندی روایات پرداخت
که در یک نظر اجمالی می توان گفت روایات مربوط به ذبح اسحاق از نظر سندی مقطوع
می باشند؛ این روایات بنا بر نقل طبری عبارت اند از:

۱. حدثنا أبو كريب، قال: حدثنا ابن يمان، عن مبارك، عن الحسن، عن الأحنف بن قيس، عن
العباس بن عبد المطلب وَ قَدِينَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ قال: هو إسحاق (طبرى، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۱).

٢. حدثني الحسين بن يزيد بن إسحاق، قال: ثنا ابن إدريس، عن داود بن أبي هند، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال: الذي أمر بذبحه إبراهيم هو إسحاق. (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥١).
٣. حدثنا ابن المثنى، قال: ثنا ابن أبي عدي، عن داود، عن عكرمة، عن ابن عباس وَ قَدِينَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ قال: هو إسحاق. (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥١).
٤. حدثني يعقوب، قال: ثنا ابن عليّة، عن داود، عن عكرمة، قال: قال ابن عباس: الذبيح إسحاق. (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥١).
٥. أبو كريب، قال: ثنا زيد بن حباب، عن الحسن بن دينار، عن علي بن زيد بن جدعان، عن الحسن، عن الأحنف بن قيس، عن العباس بن عبد المطلب، عن النبي صلى الله عليه و سلم في حديث ذكره، قال: هو إسحاق (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥١).
٦. حدثنا ابن المثنى، قال: ثنا محمد بن جعفر، قال: ثنا شعبة، عن أبي إسحاق، عن أبي الأحوص، قال: افتخر رجل عند ابن مسعود، فقال: أنا فلان ابن فلان ابن الأشياخ الكرام، فقال عبد الله: ذاك يوسف بن يعقوب بن إسحاق ذبيح الله ابن إبراهيم خليل الله. (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥١ و ٥٢).
٧. حدثنا ابن حميد، قال: ثنا إبراهيم بن المختار، قال: ثنا محمد بن إسحاق، عن عبد الرحمن بن أبي بكر، عن الزهري، عن العلاء بن حارثة الثقفي، عن أبي هريرة، عن كعب في قوله: وَ قَدِينَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ قال: من ابنه إسحاق (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥٢).
٨. حدثني يعقوب، قال: ثنا هشيم، قال: ثنا زكريا و شعبة، عن ابن إسحاق، عن مسروق، في قوله: وَ قَدِينَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ قال: هو إسحاق (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥٢).
٩. حدثنا أبو كريب، قال: ثنا ابن يمان، عن سفیان، عن زيد بن أسلم، عن عبيد بن عمير، قال: هو إسحاق (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥٢).
١٠. حدثنا عمرو بن علي، قال: ثنا أبو عاصم، قال: ثنا سفیان، عن زيد بن أسلم، عن عبد الله بن عمير قال: قال موسى: يا رب يقولون يا إله إبراهيم و إسحاق و يعقوب، فم قالوا ذلك؟ قال: إن إبراهيم لم يعدل بي شيئا قط إلا اختارني عليه، و إن إسحاق جادلي بالذبح، و هو بغير ذلك أجود، و إن يعقوب كما زدته بلاء زادني حسن ظن (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥٢).
١١. حدثنا ابن بشار، قال: ثنا مؤمل، قال: ثنا سفیان، عن زيد بن أسلم، عن عبد الله بن عبيد بن عمير، عن أبيه عبيد بن عمير، قال: قال موسى: أي رب بم أعطيت إبراهيم و إسحاق و يعقوب ما أعطيتهم؟ فذكر معنى حديث عمرو بن علي (طبري، ١٤١٢ ق، ج ٢٣: ٥٢).

۱۲. حدثنا أبو كريب، قال: ثنا ابن يمان، عن سفيان، عن أبي سنان الشيباني، عن ابن أبي الهذيل، قال: الذبيح هو إسحاق (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۲).
۱۳. حدثني يونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: أخبرني يونس [بن يزيد]، عن ابن شهاب أن عمرو بن أبي سفيان بن أسيد بن حارثة الثقفي، أخبره أن كعبا قال لأبي هريرة: ألا أخبرك عن إسحاق بن إبراهيم النبي؟ قال أبو هريرة: بلى، قال كعب: لما رأى إبراهيم ذبح إسحاق، ... فلما أخذ إبراهيم إسحاق ليذبحه و سلم إسحاق، أعفاه الله و فداه بذبح عظيم (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۲).
۱۴. حدثنا ابن حميد، قال: ثنا سامة، قال: ثنا ابن إسحاق، عن عبد الله بن أبي بكر، عن محمد بن مسلم الزهري، عن أبي سفيان بن العلاء بن حارثة الثقفي، حليف بني زهرة، عن أبي هريرة، عن كعب الأحبار أن الذي أمر إبراهيم بذبحه من ابنه إسحاق، و أن الله لما فرج له و لابنه من البلاء العظيم الذي كان فيه، قال الله لإسحاق: إني قد أعطيتك بصبرك لأمرى دعوة أعطيتك فيها ما سألت، فسألني، قال: رب أسألك أن لا تعذب عبدا من عبادك لتيك و هو يؤمن بك، فكانت تلك مسألته التي سأل (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۲ و ۵۳).
۱۵. حدثنا أبو كريب، قال: ثنا ابن يمان، قال: ثنا إسرائيل، عن جابر، عن ابن سابط، قال: هو إسحاق (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۳).
۱۶. حدثنا أبو كريب، قال: ثنا سفيان بن عتبة، عن حمزة الزيات، عن أبي ميسرة، قال: قال يوسف للملك في وجهة: ترغب أن تأكل معي، و أنا و الله يوسف بن يعقوب نبي الله، ابن إسحاق ذبيح الله، ابن إبراهيم خليل الله (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۳).
۱۷. حدثنا أبو كريب قال: ثنا وكيع، عن سفيان، عن أبي سنان، عن ابن أبي الهذيل، قال: قال يوسف للملك، فذكر نحوه (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳: ۵۳).

ج: بررسی سندی روایات فوق

- روایت ۱. ابن یمان در طبقه نهم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۳۱۹) و حسن بصری در طبقه سوم (همان ج ۱: ۲۰۲) قرار دارد که بین آنها فقط مبارک وجود دارد؛ بنابراین می توان گفت حدیث مقطوع است. البته درباره حسن بصری آورده اند: «کان یرسل كثيرا و یدلس» (همان، ج ۱: ۲۰۲).

روایت ۲. ابن ادریس در طبقه یازدهم (همان، ج ۲: ۵۳) و داود بن ابی هند در طبقه پنجم (همان، ج ۱: ۲۸۳) و عکرمه در طبقه سوم (همان، ج ۱: ۶۸۵) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۳. ابن ابی عدی در طبقه نهم (همان، ج ۲: ۵۰) و داود بن ابی هند در طبقه پنجم (همان، ج ۱: ۲۸۳) و عکرمه در طبقه سوم (همان، ج ۱: ۶۸۵) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۴. ابن علیّه در طبقه هشتم (همان، ج ۱: ۹۰) و داود بن ابی هند در طبقه پنجم (همان، ج ۱: ۲۸۳) و عکرمه در طبقه سوم (همان، ج ۱: ۶۸۵) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۵. زید بن حباب در طبقه نهم (همان، ج ۱: ۳۲۷) و علی بن زید بن جدعان در طبقه چهارم (همان، ج ۱: ۶۹۴) قرار دارد که بین آنها فقط حسن بن دینار وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. علاوه بر اینکه علی بن زید تضعیف شده است (همان، ج ۱: ۶۹۴). نکات ضعف دیگر این حدیث عبارت است از خطای زید بن حباب در حدیث (همان، ج ۱: ۳۲۷) و همچنین نقل بیشتر روایات به طور مرسل و تدلیس حسن بصری (همان، ج ۱: ۲۰۲).

روایت ۶. محمد بن جعفر در طبقه نهم (همان، ج ۲: ۶۳) و شعبه در طبقه هفتم (همان، ج ۱: ۴۱۸) و ابی اسحاق در طبقه سوم (همان، ج ۲: ۲۳۶) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۷. عبدالرحمن در طبقه دهم (همان، ج ۱: ۵۶۲) و زهری در طبقه چهارم (همان، ج ۲: ۱۳۳) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. ابراهیم بن مختار نیز تضعیف شده است (همان: ۶۵).

روایت ۸. شعبه در طبقه هفتم قرار دارد (همان، ج ۲: ۲۳۶) و مسروق [بن اجدع یا مسروق بن اوس] در طبقه دوم (همان، ج ۲: ۱۷۵) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. هشیم نیز با عنوان کثیر التدلیس و الارسال الخفی معرفی شده است (همان، ج ۲: ۲۶۹).

روایت ۹. سفیان در طبقه هشتم (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸: ۴۵۵) و زید در طبقه سوم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۲۶) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. علاوه بر اینکه زید کثیر الارسال بوده (همان) و ابن یمان نیز «یخطی کثیرا» (همان، ج ۲: ۳۱۹) معرفی شده است.

روایت ۱۰. به غیر از مشکل ضعف ابن یمان، بقیه مشکلات روایت شماره ۹ را دارد. روایت ۱۱. به غیر از مشکل ضعف ابن یمان، بقیه مشکلات روایت شماره ۹ را دارد. علاوه بر اینکه مؤمل بن زیاد، مجهول است (جواهری ۱۴۲۴ ق: ۴۷۸).

روایت ۱۲. سفیان در طبقه هشتم (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸: ۴۵۵) و ابی سنان در طبقه ششم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۵۶) و ابی ابی هذیل در طبقه دوم (همان، ج ۱: ۵۴۳) قرار دارد، بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. علاوه بر اینکه ابن یمان نیز «یخطی کثیرا» (همان، ج ۲: ۳۱۹) معرفی شده و ابی سنان با عبارت «له اوهام» تضعیف شده است. (همان، ج ۱: ۳۵۶)

روایت ۱۳. یونس [بن یزید] در طبقه هفتم (همان، ج ۲: ۳۵۱) و ابن شهاب در طبقه چهارم (همان، ج ۲: ۱۳۳) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است. علاوه بر اینکه یونس کثیر الخطا بوده و به روایتش اعتمادی نمی‌شود (ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ج ۶: ۳۰۰). روایت ۱۴. عبد الله بن ابی بکر در طبقه هفتم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۵۷۸) و محمد بن مسلم در طبقه چهارم قرار دارد (همان، ج ۲: ۱۳۳)؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۱۵. ابن یمان در طبقه نهم (همان، ج ۲: ۳۱۹) و اسرائیل در طبقه هفتم (همان، ج ۱: ۸۸) و ابن سابط در طبقه سوم (همان، ج ۱: ۵۷۰) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع و مرفوع است. افزون بر آن جابر مجهول (همان، ج ۱: ۱۵۲) و ابن یمان کثیر الخطا بوده (همان، ج ۲: ۳۱۹) و ابن سابط کثیر الارسال است (همان، ج ۱: ۵۷۰).

روایت ۱۶. سفیان در طبقه نهم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۷۱) و حمزه زیات در طبقه هفتم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۴۱) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان گفت حدیث مقطوع است.

روایت ۱۷، به غیر از مشکل ابن یمان، بقیه مشکلات روایت شماره ۱۲ را دارد.

بنابر آنچه گذشت معلوم می‌گردد که روایات بیانگر ذبح اسحاق، از سند صحیحی برخوردار نیستند. خاطر نشان می‌شود شیخ صدوق برای جمع بین روایات شیوه خاصی را در پیش گرفته است؛ وی بر این باور است که ذبح اسماعیل بوده است؛ ولی اسحاق بعد از تولد آرزو می‌کرد ای کاش او کسی بود که پدرش امر به ذبحش گردیده است و در برابر خدا مانند برادرش صبر می‌کرد؛ خداوند به خاطر همین اعتقاد قلبی واقعی او به اسحاق ثواب صبر ذبح را داد و در بین ملائکه به «ذبح» ملقب کرد: «وَقَدْ اخْتَلَفَتِ الرَّوَايَاتُ فِي الذَّبِيحِ فَمِنْهَا مَا وَرَدَ بِأَنَّهُ إِسْمَاعِيلُ وَمِنْهَا مَا وَرَدَ بِأَنَّهُ إِسْحَاقُ وَلَا سَبِيلَ إِلَى رَدِّ الْأَخْبَارِ مَتَى صَحَّ طَرَفُهَا وَكَانَ الذَّبِيحُ إِسْمَاعِيلَ لَكِنْ إِسْحَاقُ لَمَّا وُلِدَ بَعْدَ ذَلِكَ تَمَتَّى أَنْ يَكُونَ هُوَ الَّذِي أُمِرَ أَبُوهُ بِذَبْحِهِ وَكَانَ يَضْمُرُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَسْلَمُ لَهُ كَصَبْرِ أَخِيهِ وَ تَسْلِيمِهِ فَيُنَالُ بِذَلِكَ دَرَجَتَهُ فِي الثَّوَابِ فَعَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ فَسَمَّاهُ بَيْنَ مَلَائِكَتِهِ ذَبِيحاً لِتَمَيِّزِهِ لِدَلِكِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۳۰ و ۲۳۱).

۳-۳. مؤیدات تاریخی و عقلی

بررسی تاریخ زندگی حضرت ابراهیم (ع) و تحلیل عقلی آزمایش‌های الهی ایشان، در ضمن ادله دیگر به تثبیت باور به ذبح اسماعیل کمک می‌کند. حضرت ابراهیم (ع) مانند دیگر انبیای الهی، آزمایش‌هایی را پشت سر گذاشت؛ اما در بین آنها چند مورد که برجستگی خاصی داشت با عنوان «کلمات» در قرآن یاد شده است: مبارزه با شرک و براندازی بت پرستی، استقامت و بردباری در مراسم سوزاندن و... که ابراهیم همه این‌ها را با موفقیت سپری کرد تا در دوران پیری خداوند به او فرزندی می‌دهد و دستور می‌رسد که فرزندت را باید در کوی حق قربانی کنی، این یک امتحان الهی است که ابراهیم از عهده آن برآمد و پس از قبولی در همه این امتحان‌ها «امام مردم» قرار داده شد (جوادی آملی، ۱۳۷۹ ش، ج ۶: ۳۵۳ و ۳۵۴). بالاترین درجه آزمایش الهی حضرت ابراهیم (ع) زمانی است که از باارزش‌ترین داشته خود در پیری که نوجوانی حلیم است بگذرد؛ پس می‌توان گفت کمال آزمایش الهی در قربانی کردن تنها فرزند است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳: ۷۰)؛ یعنی زمانی که هنوز فرزند دوم متولد نشده، امر به ذبح شود تا میزان ایمان و توکل ابراهیم به نحو شایسته‌ای مورد سنجش قرار گیرد. بی‌شک پیروزی در این امتحان الهی درجه بالاتری برای ابراهیم به ارمغان

می‌آورد چنانکه بعد از اتمام همه این آزمایش‌های الهی حضرت ابراهیم (ع) به مقام امامت می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۶: ۳۵۶ و ۳۵۷) و قرآن درباره آن می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴)؛ چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن‌همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید از دودمانم [چطور] فرمود پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.

ازلحاظ تاریخی نیز در بین همه فرق اهل کتاب و مسلمان، مسلم است که کودکی که ابراهیم (ع) او را با مادرش به فرمان خدا به مکه آورده و در آنجا رها نمود. سپس خانه کعبه را بنا نمود و طواف و سعی به‌جای آورد، اسماعیل بود؛ این نشان می‌دهد که ذبیح نیز اسماعیل بوده است؛ زیرا برنامه ذبح مکمل برنامه‌های فوق محسوب می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹: ۱۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۲۳۱)؛ ولی اگر ذبیح اسحاق بود، باید قربانی، سعی و رمی جمرات در سرزمین شام واقع می‌شد که اسحاق و ساره آنجا ساکن بودند (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۶: ۳۵۲). این مسئله از طرف برخی علما به این شکل روایت شده است: «نقل عن الأصمعی أنه قال سألت أبا عمرو بن العلاء عن الذبیح فقال آیا أصمعی ابن عقلک و متی کان إسحاق بمکه و إنما کان إسماعیل بمکه و هو الذی بنی البیت مع أبیه و النحر بمکه» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲: ۱۳۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ش، ج ۱: ۲۲۷)؛ اصمعی از ابو عمرو بن علاء درباره ذبیح سؤال کرد. ابو عمرو گفت: ای اسمعی! عقلت کجاست؟ و اسحاق کی در مکه بود؟ ولی اسماعیل در مکه بود و او بود که با پدرش خانه ساخت و در مکه قربانی کرد.

در این باره روایاتی نیز از اهل بیت (ع) آمده است که بیانگر بنای خانه کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۸: ۶۰ و ۶۱). ذبیح بودن اسماعیل قبل از بعثت نیز بین اعراب مشهور بوده و اشعاری از امیه بن ابی صلت در این باره آمده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۲: ۱۸۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۸: ۱۵۳ و ۱۵۴). مؤید دیگر این مطلب، فلسفه تشریح رمی جمرات است که در حکمت آن آمده است که شیطان به ابراهیم جهت ذبح فرزندش اعتراض می‌کرد که مورد رمی ابراهیم واقع شد؛ این رمی از مناسک حج برای اهل مکه می‌باشد؛ علاوه بر اینکه یهودیان سنت ذبیح مشخصی ندارند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳: ۷۱).

۴. بررسی نظر مفسران قبل از قرن دهم هجری

بنا به نظر ریون فایرستون مفسران قبل از قرن دهم هجری معتقد بودند که اسحاق قربانی مورد نظر قرآن است، بررسی اجمالی تفاسیر قبل از قرن دهم در ذیل آیات ۱۰۰ - ۱۱۱ سوره صافات، بیانگر آن است که برخلاف نظر مؤلف مدخل، اسماعیل در تعداد کثیری از آنها به عنوان ذبیح مطرح شده است؛ نظر برخی از مفسران به ترتیب تاریخی نقل می‌شود:

قرن دوم

ابو زکریاء یحیی بن زیاد فراء در «معانی القرآن» بعد از ذکر آیات سوره صافات، از اسماعیل یاد می‌کند که در آن زمان سیزده سال داشت. از آنجایی که آیات مربوط به ذبیح است؛ بنابراین ذبیح به نظر فراء، اسماعیل است: [قوله]: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» (صافات/ ۱۰۲) يقول: أطلق أن يعينه على عمله و سعيه؛ و كان إسماعيل يومئذ ابن ثلاث عشرة. (فراء، بی تا، ج ۲: ۳۸۹)؛ این آیه که می‌فرماید: «وقتی با او به جایگاه سعی رسید»؛ یعنی به او در کار و تلاش کمک کند و اسماعیل در آن زمان، سیزده سال داشت.

قرن پنجم

شیخ طوسی در تفسیر «التبيان في تفسير القرآن» آورده است: «و بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات/ ۱۱۲) فدل على ان الذبيح كان إسماعيل؛ (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۵۱۸)؛ آیه ۱۱۲ سوره صافات دلالت می‌کند که ذبیح اسماعیل است؛ [زیرا در این آیه سخن از نبوت اسحاق نیز به میان آمده است و نشان می‌دهد که اسحاق بزرگ خواهد شد و به نبوت نیز خواهد رسید].

قشیری در «لطائف الاشارات» به زمان خواب دیدن برای ذبیح اسماعیل نیز اشاره کرده است: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» اشاره إلى وقت توطین القلب على الولد، رأى إبراهيم - عليه السلام - أنه يؤمر بذبیح ابنه إسماعیل لیلۃ الترویۃ (قشیری، بی تا، ج ۳: ۲۳۸)؛ آیه ۱۰۲ سوره صافات اشاره به زمانی دارد که [محبّت] فرزند در قلب انسان جای می‌گیرد، ابراهیم علیه السلام در شب ترویبه (هشت ذی الحجّه) خواب دید که او به ذبیح فرزندش اسماعیل مأمور می‌شود.

قرن ششم

طبرسی در «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» نظر کلی روایات را در ذبح اسماعیل آورده است: «الأظهر فی الروایات أنه إسماعیل» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸: ۷۰۷)؛ روایات ظاهر در آن دارد که مراد اسماعیل علیه السلام است.

رشید الدین میبیدی در تفسیر «کشف الاسرار» نیز با استناد به محل ذبح، به قربانی کردن اسماعیل نظر دارد: ایشان که گفتند ذبیح اسحاق بود موضع ذبح بیت المقدس گفتند و ایشان که گفتند اسماعیل بود موضع ذبح منحر منی گفتند در مکه، و قول درست اینست؛ زیرا که اسماعیل در مکه مقام داشت و اسحاق در شام (میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۸: ۲۸۹).

قرن هفتم

محمد بن حسن شیبانی در «نهج البیان عن کشف معانی القرآن» به نام اسماعیل تصریح می کند: «قوله- تعالی-: فَبَشِّرْناهُ بِغُلامٍ حَلِیمٍ» (صافات / ۱۰۱) یرید: إسماعیل- علیه السلام- (شیبانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۲۹۵)؛ مراد از پسر بردبار در آیه ۱۰۱ صافات، اسماعیل علیه السلام است.

قرن هشتم

بیضاوی در «انوار التنزیل» معتقد به ذبح اسماعیل است: «الأظهر أن المخاطب إسماعیل علیه السلام» (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۱۵)؛ ظاهر آن است که مخاطب ابراهیم علیه السلام در آیه ۱۰۲ سوره صافات، اسماعیل علیه السلام است.

نظام الدین نیشابوری در تفسیر «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» با اشاره به محل ذبح، اسماعیل را قربانی معرفی می کند: «و یتفرع علی اختلاف المفسرین فی الذبیح اختلافهم فی موضع الذبح، فالذین قالوا إن الذبیح إسماعیل ذهبوا إلى أن الذبح كان بمنی و هذا أقوى» (نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۵: ۵۷۲)؛ اختلاف مفسران در ذبیح به اختلافشان در محل ذبح تقسیم شده است، کسانی که می گفتند قربانی اسماعیل است، بر این باور بودند که ذبح در منا اتفاق افتاده است و این نظر قوی تر است.

ابن کثیر در کتاب تفسیر «القرآن العظیم» اسماعیل را به دلیل این که اولین فرزند ابراهیم بود قربانی می داند: «فَبَشِّرْناهُ بِغُلامٍ حَلِیمٍ» (صافات: ۱۰۱) و هذا الغلام هو إسماعیل علیه السلام فإنه

أول ولد بشر به إبراهيم عليه السلام و هو أكبر من إسحاق باتفاق المسلمين و أهل الكتاب (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۷: ۲۳)؛ پسری که به ابراهیم در آیه ۱۰۱ سوره صافات وعده داده شده است اسماعیل است؛ زیرا او اولین فرزندی است که به ابراهیم بشارت داده شده و به اتفاق مسلمانان و اهل کتاب از اسحاق بزرگ‌تر است.

قرن نهم

به نظر ثعالبی در «جواهر الحسان» اسماعیل ذبیح است: «أَنَّ الرَّاجِحَ أَنَّ الذَّبِيحَ هُوَ إِسْمَاعِيلُ» (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۴۱)؛ نظر صحیح این است که قربانی اسماعیل باشد. کاشفی سبزواری در کتاب «مواهب علیه» نیز بر ذبیح اسماعیل اشاره دارد: پس آن هنگام که گردن نهاد حکم خدای را ابراهیم علیه‌السلام بفدای پسر خود و اسمعیل علیه‌السلام رضا داد قربان شدن خود واقع شد آنچه واقع شد (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ ش: ۱۰۰۴).

قرن دهم

ملا فتح الله کاشانی در «زبدة التفاسیر» پس از ذکر اختلاف علماء، ذبیح اسماعیل را ترجیح داده است: «و اختلف فی الذبیح علی قولین: أحدهما: أَنَّهُ إِسْحَاقُ. و الأَظْهَرُ أَنَّ الْمُخَاطَبَ كَانَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۵: ۵۶۷)؛ و در مورد قربانی در دو قول اختلاف کردند: یکی از آن قول‌ها، اسحاق است ولی ظاهر آن است که مخاطب [ابراهیم علیه‌السلام در قربانگاه] اسماعیل علیه‌السلام بوده است.

نعمت‌الله نخجوانی در «الفواتح الهیه» نیز به قربانی شدن اسماعیل باور دارد: «فَبَشَّرَتْهُ بِغُلَامٍ» (صافات: ۱۰۱) هو اسماعیل علیه‌السلام (نخجوانی، ۱۹۹۹ م، ج ۲: ۲۱۹)؛ مراد از غلام در آیه ۱۰۱ سوره صافات، اسماعیل است.

۵. نتیجه‌گیری

فایرستون در مدخل اسحاق از دایره‌المعارف قرآن سعی می‌کند با استناد به آیات قرآن، روایات و دیدگاه مفسران پیش از سده دهم هجری، اسحاق را به عنوان ذبیح معرفی نماید در صورتی که دلایل قرآنی (سیاق آیات مربوطه)، دلایل تاریخی (مانند مطالعه انتقادی تورات و تصریح انجیل برنابا)، دلایل عقلی مربوط به نحوه آزمایش حضرت ابراهیم (ع) و ادله روایی (تضعیف سندی روایات بیانگر ذبح اسحاق و تأیید سندی روایات بیانگر ذبح اسماعیل)، اثبات می‌کند که حضرت اسماعیل (ع) ذبیح موردنظر قرآن کریم است. وی در این مقاله تصریح کرده است که مفسران پیش از سده دهم هجری اسحاق را ذبیح دانسته‌اند و در تفاسیر پس از سده دهم هجری مصداق ذبیح به حضرت اسماعیل (ع) تغییر یافته است؛ در صورتی که دست‌کم سیزده تن از مفسران پیش از سده دهم هجری، حضرت اسماعیل (ع) را به عنوان ذبیح موردنظر قرآن ترجیح داده‌اند.

منابع

١) قرآن کریم

٢) کتاب مقدس.

٣) آلوسی، محمود. (١٤١٥ ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق علی عبدالباری عطية. بیروت: دار الکتب العلمیة.

٤) ابن بابویه، محمد بن علی. (١٤١٣ ق). **من لا یحضره الفقیه**. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٥) ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (١٤١٥ ق). **تقریب التهذیب**. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار المکتبة العلمیة.

٦) ابن داود حلّی، حسن بن علی. (١٣٤٢ ش). **کتاب الرجال**. تحقیق محمد صادق بحر العلوم. تهران: دانشگاه تهران.

٧) ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (١٣٦٩ ش). **متشابه القرآن و مختلفه**. قم: دار بیدار للنشر.

٨) ابن عاشور، محمد طاهر. (١٤٢٠ ق). **تفسیر التحریر و التنویر**. بیروت: موسسة التاريخ.

٩) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (١٤١٩ ق). **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق محمد حسین شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.

١٠) **انجیل برنابا**. (١٣٤٦ ش). ترجمه مرتضی فهم کرمانی. بی جا: بی نا.

١١) برقی، احمد بن محمد. (١٣٧١ ش). **المحاسن**. تحقیق جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الاسلامیة.

١٢) برقی، احمد بن محمد. (١٣٤٢ ش). **کتاب الرجال**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

١٣) بیضاوی، عبد الله بن عمر. (١٤١٨ ق). **انوار التنزیل و اسرار التأویل**. تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

١٤) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨ ق). **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. تحقیق. محمد علی معوض و عادل احمد عبدال موجود. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

١٥) ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (١٤٢٢ ق). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

١٦) جزائری، نعمت الله بن عبد الله. (١٤٠٤ ق). **النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین**. قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.

١٧) جوادی آملی، عبدالله. (١٣٧٩ ش). **تفسیر موضوعی؛ سیره پیامبران علیهم السلام در قرآن**. قم: اسراء.

١٨) جواهری، محمد. (١٤٢٤ ق). **المفید من معجم رجال الحدیث**. قم: محلاتی.

- ۱۹) خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ ق). **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة**. بی جا: نشر توحید.
- ۲۰) ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۳ ق). **سیر اعلام النبلاء**. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ۲۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق/ بیروت: دار العلم/ دار الشامیة.
- ۲۲) زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۲ش). «**نقدی بر دایرة المعارف قرآن لیدن**». مجله پژوهش های فلسفی و کلامی. شماره ۱۷ و ۱۸. صص ۷۵-۱۰۴.
- ۲۳) زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۵ش). **مستشرقان و قرآن**. قم: بوستان کتاب.
- ۲۴) سیوطی، محمد بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق). **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۲۵) شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ ق). **المزار فی کیفیة زیارات النبی و الائمة علیهم السلام**. تصحیح محمد باقر ابطحی اصفهانی. قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- ۲۶) شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ ق). **نهج البیان عن کشف المعانی القرآن**. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ۲۷) صغیر، محمد حسین علی. (۱۴۲۰ ق). **المستشرقون و الدراسات القرآنیة**. بیروت: دارالمورخ العربی.
- ۲۸) طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۹) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- ۳۰) طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفة.
- ۳۱) طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرین و مطلع النیرین**. تحقیق احمد حسینی. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۳۲) طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ ق). **التبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳) طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). **رجال الطوسی**. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳۴) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). **تفسیر نور الثقلین**. تحقیق. هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
- ۳۵) علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ ق). **خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳۶) فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). **التفسیر الکبیر. مفاتیح الغیب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- (۳۷) فراء، يحيى بن زياد. (بى تا). **معانى القرآن**. مصر: دارالمصرية للتأليف و الترجمة.
- (۳۸) قشيري، عبدالكريم بن هوازن. (بى تا). **لطائف الاشارات**. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- (۳۹) كاشاني، ملا فتح الله. (۱۴۲۳ ق). **زبدة التفاسير**. قم: بنياد معارف اسلامى.
- (۴۰) كاشفى سبزوارى، حسين بن على. (۱۳۶۹ش). **مواهب عليّة**. تحقيق محمد رضا جلالى نائينى. تهران: اقبال.
- (۴۱) كلينى، محمد بن يعقوب. (۱۴۲۹ ق). **الكافى**. قم: دارالحدیث.
- (۴۲) كشى، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ق). **إختيار معرفة الرجال**. مشهد: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد.
- (۴۳) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- (۴۴) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (۱۴۰۴ ق). **مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول**. تحقيق هاشم رسولى محلاتى. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- (۴۵) مراغى، احمد بن مصطفى. (بى تا). **تفسير المراغى**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- (۴۶) معرفت، محمد هادى. (۱۳۸۸ش). **شبهات و ردود حول القرآن الكريم**: ترجمه حسن حكيم باشى و ديكران. قم: تمهيد.
- (۴۷) مغنيه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). **تفسير الكاشف**. تهران: دارالكتب الاسلامية.
- (۴۸) مكارم شيرازى، ناصر و همكاران. (۱۳۷۴ش). **تفسير نمونه**. تهران: دار الكتب الاسلامية.
- (۴۹) مودب، رضا و موسوى مقدم، محمد. (۱۳۸۷ش). «**نقد دايرة المعارف قرآن ليدن بر اساس آراء و مباني شيعه**». مجله شيعه شناسى. شماره ۲۳. صص ۱۰۵-۱۴۴.
- (۵۰) ميبدى، رشيد الدين. (۱۳۷۱ش). **كشف الاسرا و عدة الابرار**. تحقيق. على اصغر حكمت. تهران: امير كبير.
- (۵۱) نجاشى، احمد بن على. (۱۳۶۵ش). **رجال النجاشى**. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- (۵۲) نخجوانى، نعمت الله بن محمود. (۱۹۹۹ م). **الفواتح الهية و المفاتيح الغيبية**. مصر: دار ركابى للنشر.
- (۵۳) نيشابورى، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ ق). **تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. بيروت: دارالكتب العلمية.

54) Firestone, Reuven. (2001) *Encyclopaedia of the Quran*. McAuliffe, Jane Dammen; ed v2; p 561&562. Leiden_Boston:Bill.

References

1. The Holy Quran
2. The Bible.
3. Alusi, Mahmud. (1415 AH). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Research by Ali Abdul Bari Atiyyah. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.

4. Ibn Babwayh, Muhammad ibn Ali. (1413 AH). *Man la Yahzuruh al-Faqih*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islamic Publishing Office.
5. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad ibn Ali. (1415 AH). *Taqrib al-Tahzib*. Beirut: Al-Maktabah al-Ilmiyyah.
6. Ibn Dawood Hilli, Hasan ibn Ali. (1342 AD). *Kitab Al-Rijal*. Research by Mohammad Sadegh Bahr al-Ulum. Tehran: University of Tehran.
7. Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali. (1369). *Mutashabih al-Qur'an wa Mukhtalifuh*. Qom: Bidar publishing.
8. Ibn Ashour, Muhammad Taher. (1420 AH). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: The Institute of Al-Tarikh.
9. Ibn Kathir, Ismail ibn Omar. (1419 AH). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Research by Mohammad Hussein Shamsuddin. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah & Mohammed Ali Beydoon Publications.
10. Bernaba Bible. (1346). Translated by Morteza Fahim Kermani. No Place, No Name.
11. Barqi, Ahmad bin Mohammed. (1371). *Al -Mahasin*. Research by Jalaluddin Muhaddith. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
12. -----, (1342 AD). *Kitab al-Rijal*. Tehran: Tehran University Press.
13. Beyadawi, Abdullah bin Omar. (1418 AH). *Al-Tanzil wa Asrar al-Fawil*. Research by Mohammad Abdul Rahman al-Marashi. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
14. Thaalibi, Abdul Rahman bin Mohammed. (1418 AH). *Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Qur'an*. Research by Muhammad Ali and Adil Ahmad Abdul Mawjud. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
15. Thalabi, Ahmad ibn Ibrahim. (1422 AH). *Al-Kashf wa al-Bayan an Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
16. Jazayeri, Nimatullah bin Abdullah. (1404 AH). *Al-Noor al-Mubin fi Qasan al-Anbiya wa al-Mursalin*. Qom: Ayatollah al-Marashi al-Najafi Library.
17. Javadi Amoli, Abdullah. (1379). *Subjective interpretation; The Prophet (PBUH) in the Qur'an*. Qom: Esra.
18. Jawahiri, Muhammad. (1424 AH). *Al-Mufid min Rijal Mujam al-Hadith*. Qom: Mahallati.
19. Khoi, Abulqasim. (1413 AH). *Mujam Rajal al-Hadith wa Tafsir Tabaqat al-Ruwat*. No Place: Tawhid Publishing.
20. Dhahabi, Muhammad ibn Ahmad. (1413 AH). Beirut: Al-Risalah Institute.
21. Raghīb Al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Damascus/ Beirut: Dar al-Ilm/ Dar al-Shami.
22. Zamani, Mohammad Hassan. (1382). "Criticism of the Quranic Encyclopedia". *Journal of Philosophical and Verbal Research*. No. 17 and 18. pp. 75-75.
23. -----, (1385). *Orientalists and the Quran*. Qom: Bustan Ketab.
24. Suyuti, Muhammad ibn Abi Bakr. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Mathur*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
25. Shahid Awwal, Muhammad ibn Makki. (1410 AH). *Al-Mazar fi Keyfiyyat Ziyarat Aal-Nabi wa al-A'immah al-At'har*. Edited by Mohammad Bagher Abtahi Esfahani. Qom: Imam Mahdi School.
26. Sheibani, Muhammad ibn Hassan. (1413 AH). *Nahj al-Bayan an Kashf Ma'ani al-Qur'an*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
27. Saghir, Muhammad Hussein Ali (1420 AH). *Al-Mustaharqun wa al-Dirasat al-Qur'aniyyah*. Beirut: Dar al-Muarrikh al-Arabi.
28. Tabatabai, Mohammad Hussein. (1417 AH). *Al -Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Qom Seminary of Islamic Publications Office.
29. Tabarsi, Fazl ibn Hassan. (1372). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow.
30. Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marifah.
31. Turaihi, Fakhruddin. (1375). *Majma al-Bahrain wa Matla al-Nayyirain*. Research by Ahmad Hosseini. Tehran: Mortazavi Bookstore.

32. Tusi, Muhammad ibn Hassan. (1415 AH). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Research by Ahmad Qasir Amili. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
33. -----, (1373). *Rijal al-Tusi*. Research by Javad Qayyum Isfahani. Qom: Al-Nashr al-Islami Institute.
34. Arusi Huwaizi, Abd Ali bin Juma. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Thaqalain*. Research by Hashem Rasuli Mahallati. Qom: Ismailian.
35. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf. (1417 AH). *Khulasat al-Aqwal fi Marifat al-Rijal*. Qom: Al-Nashr al-Islami Institute.
36. Fakhr Al-Razi, Muhammad ibn Omar. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir: Mafatih al-Ghaib*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
37. Farra, Yahya bin Zayd. (No Date). *Maani al-Qur'an*. Egypt: Dar al-Misriyyah for writing and publishing.
38. Qushairi, Abdul Karim bin Hawazin. (No Date). *Latifa al -Asharat*. Egypt: Al-Hayat al-Misriyyah al-Ammah li al-Kitab.
39. Kashani, Mullah Fathullah. (1423 AH). *Zubda al-Tafasir*. Qom: Bonyad Maaref Islami.
40. Kashefi Sabzevari, Hussein bin Ali. (1369). *Mawahib Aliyyah*. Research by Mohammad Reza Jalali Naini. Tehran: Iqbal.
41. Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub. (1429 AH). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith.
42. Kashshi, Muhammad ibn Omar. (1409 AH). *Ikhtiyar Marifat al-Rajal*. Mashhad: Institute of Mashhad University Publishing.
43. Majlisi, Mohammad Bagher bin Mohammad Taghi. (1403 AH). *Bihar al-Anwar al-Jamia' li Durar Akhbar al-A'immah al-At'har*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
44. -----, (1404 AH). *Mir'at al-Uqul fi Sharh Akbar Al al-Rasul*. Research by Hashem Rasuli Mahallati. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
45. Maraghi, Ahmad ibn Mustafa. (No Date). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
46. Marifat, Muhammad Hadi. (2009). *Shubuhāt wa Rudud hawl al-Qur'an al-Karim*; Translated by Hassan Hakim Bashi and others. Qom: Tamhid.
47. Mughniyah, Muhammad Javad. (1424 AH). *Tafsir al-Kashif*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
48. Makarem Shirazi, Naser et al. (1374). *Tafsir Nomooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
49. Moaddab, Riza and Mousavi Moghaddam, Mohammad. (2008). "Criticism of Leiden's encyclopedia of the Quran based on Shiite views and principles". *Shiite Journal*. No. 23. pp. 105-144.
50. Meybodi, Rashiduddin. (1371). *Kashf al-Asrar wa Uddat al-Abrar*. Research by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Amir Kabir.
51. Najashi, Ahmad ibn Ali. (1365). *Rijal al-Najashi*. Qom: Al-Nashr Al-Islami Institute.
52. Nakhjavani, Nimatullah bin Mahmoud. (1999). *Al -Fawatih al-Ilahiyyah wa al-Mafatih al-Ghaibiyah*. Egypt: Rikabi publishing hause.
53. Nishaburi, Hasan bin Muhammed. (1416 AH). *Tafsir Ghar'aib al-Qur'an wa Raghaib al-Furqan*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.